

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۰۷ فبروری ۲۰۱۲

حفظ تمامیت ارضی افغانستان حیثیت ناموس را دارد و یانه؟

وطن است صخره دشمن بادوباران
به فکرش می سازد سیل خروشان
غلط کردی حسابت نادرست است
که این ملت کوه است ضد طوفان
"شاعری ترازو"

قسمت ششم

ملک من و ترا طوفان و سیلاب گرفته
دشمن از خون ما به ساغر میناب گرفته
جای نشنه و خواب او، ترا خواب گرفته
بیدار شواز خواب گلویت رابی آب گرفته
"شاعری ترازو"

وقتی که حرف از دموکراسی، فدرالیزم و یا دکتاتوری می زنیم پای استعمار خود به خود در بین کشیده می شود در اینجا لازم است کمی سرفدرالیزم غور نموده آنچه لازم است موشکافی و بیشتر کنجکاوی کنیم. فدرالیزم را در آسیاب نقد آر دکیم آنقدر مشت قلم به خمیر فدرالیزم بز نیم که مانند مسکه نرم شود و ببینیم که در تنور کش و کوب وطن وقتیکه پخته می شو دنان سالم به دست می آید یا چکیده و پُراز خاکستر.

در حالیکه من شخصاً صد فیصد متیقن هستم که سیستم فدرالیزم اگر در سرزمین من به یک سیستم سیاسی تبدیل شود گرگان باران زده راه به درون رمه می یابند که خود فروش و تجزیه وطن مارا آسان میسازد این نقشه مشت بسته که تنها یک کلک آن باز است تمام مشت باز شده کشور به یک میدان بزکشی تبدیل می گردد و گرد و غبار رسم اسپان بزکش تجزیه، روی آئینه وحدت و یک پارچگی ملت افغانستان را مکرر می کند.

وقتیکه می گویم فدرالیزم به درد سرزمین ما نمی خورد با وجود نتیجه خوبی که در دیگر ممالک دنیا داشته در کام سیاسی وطن ما فدرالیزم زهر است به خاطر قانع کردن فدرالیزم خواهان نه به خاطر ملت بی سواد افغانستان که

هنوز در خواب خرگوش هستند و آن‌ها دعای ساختن هیچ نوع سیستم و نظامی را در مملکت ندارند و مهاجران هم به خاطر تفنگسالاران جرأت رفتن به داخل مملکت را ندارند، نویسندگان و صاحب نظران تحصیل کرده همه در خارج دست به الاشه نهشته اند.

دید و بازدید های مخفی مهاجران سیاستمدار و روشنفکران علاقه مند به وطن با دولت های استعماری در ممالک میزبان شان، خودشان هم می دانند که این دید و بازدید شان در بحر سیاست جنجالی افغانستان حبابی بیش نیست و اکثر این ممالک دنباله رو ابر قدرت ها هستند که در افغانستان نقشه و مرام سیاسی خود را در حال تطبیق هستند و حرف اول در داخل و خارج را سران قاچاقبر مواد مخدر و سنگ های قیمتی ، تفنگسالاران و بآداران و طرفداران عملیات خودکشانه با چند وطن فروش از خارج رفته مانند حنیف اتمر، احدی ، غنی احمدزی ، خلیل زاد که این ها هم فرزندان وقت و زمان هستند تا وقتی که تجارت چوروچپاول شان بازار در افغانستان داشته باشد گاه در یک پوست دولتی، گاه در پوست دیگر دولتی به خاطر چوروچپاول شان گرم سازند اینها کسانی هستند که سالها قبل از مهاجرت های اجباری افغانها در امریکا درس خوانده زندگی کردند زنان امریکائی داشتند و نزد دستگاه های جاسوسی امریکا و غرب قابل اعتماد بودند و هستند تنها حنیف اتمر که از جمله سران دستگاه جاسوسی خاد دولت حزب دموکراتیک خلق بود و بعد مثل دیگر افغانها بعد از فروپاشی دولت روس به دستور روس مهاجرت کرد، این مهره خطرناک مانند ظاهر طنین نماینده افغانستان در ملل متحد و مانند کسانی که دیروز با روس، امروز در بی بی سی کاری کنند روابط قبلی خود را با دستگاه های جاسوسی انگلیس که تشنه نفوذ در بین حزب دموکراتیک خلق و کاجی بی مانند انگلیس بود سر این پشکهای وطن فروش دست نوازش کشیده بودند که این پشک ها هم کمتر از کسانی که قبل از مهاجرت اجباری به امریکا آمده بودند اعتماد شان نزد دولت میزبان به اساس ارتباط گذشته شان کمتر نبود کمتر نیست و فعلاً هم در افغانستان نقش دارند.

از نویسندگان و شاعران گمنام که آرزوی شهرت طلبی دارند این جاسوسان حاتم بیگ قلم می سازند و این نویسندگان کشته شهرت را جلب و جذب می کنند و در خدمت فدرالیزم سازان و تجزیه طلبان قرار می دهند و اگر نمک طنز در این نوشته اضافه کنیم گفته می توانیم سایت خاوران و سایت افغان جرمن، بی بی سی ، صدای امریکا ، رادیوی آزادی و رادیوی کانادا به خاطر عساکر کانادا ، امریکا و ناتو نشرات دارند بوی نارنج این رادیو ها را نویسندگان این دوسایت و چند سایت دیگر با فیس بوک های جاسوسی می دهند.

وضعیت نا به سامان داخل افغانستان و بیرون از افغانستان که تصمیم گیرندگان سر نوشت ملت بی صاحب اجنبی هاستند، حدس زدن آینده سیاسی وطن ما را دشوار ساخته نه تنها دیدن تجزیه طلبان که تفنگ سالار و ناقضین حقوق بشر هم هستند در آلمان با دشمنان افغانستان به نام سناتوران امریکائی، دیدن و هم باز شدن دفتری به نام طالب در قطر و ملاقات بی نتیجه امریکائی ها در پشت دوازه های بسته، برخوردهای جنگ زرگری سیاست مداران افغانی در برابر امریکا و ناتو در اعتراض به برخی اقدامات نیروهای ایساف امریکا که گفته می شود مخالف عنعنات افغانی و فیصله های «لویه جرگه عنعنوی» است ، خرابی روابط امریکا با پاکستان ، پیچیده شدن اوضاع در خلیج فارس و در تنگنا قرار گرفتن اسرائیل در منطقه و خواب نارام امریکا به خاطر نفوذ در بین مستعمرات سابق روس و آوازه تحت کنترل مستقیم طالبان قرار دادن ولایات پشتون نشین و هم سرحد با پاکستان و ایران اوضاع فعلی افغانستان را این مشکلات منطقه ای پیچیده تر ساخته که هیچ سیاست مدار منطقه نمی تواند حدس سیاسی در قسمت افغانستان و منطقه بزند.

تیپ راز رویداد های آینده منطقه را روس و امریکا مهرولاک کرده تنها حدسی که زده می شود زیرنام فدرالیزم، روس و امریکا در منطقه در حالا بررسی تجزیه اند چون بدون تشنج اوضاع در منطقه تجزیه منطقه ناممکن است برخورد های تازه امریکا با ایران و پاکستان و دوستی های امریکا با دول مستعمراتی روس نشان می دهد که نقشه منطقه در دست ایندو ابر قدرت قرار دارد هند و چین دزد سوم منطقه است به شکل نظاره کننده دم رویاه شور می دهد. با وجودی که می دانیم دشمنان خارجی منطقه با همکاری نزدیک وطن فروشان منطقه زیرکاسه بزرگ سیاست نیم کاسه های رنگا رنگ پُر از مکر و فریب دارند.

مشکلی که در کنار سایر مشکلات افغانستان سیاسیون و رهبران قومی و مذهبی تفنگسالار مزدور بیسواد افغانستان است که از خود کدام برنامه سیاسی ندارند چشم به دستورات دشمنان افغانستان دوخته اند و به میل اجنبی اتن سیاسی می کنند و با گرفتن چوکی و دست آزاد بودن در قاجاق این هارا استعمارگران در منطقه به بهانه های فوق در دام انداخته از سیاست پشت پرده بیخبر ساخته است.

اگر فدرالیزم خواهان در فکر از این هستند که المان فدرالی بعد از جنگ دوم جهانی دولت فدرالی بی درد سر ساختند و خواستند که دایره صلاحیت های مرکز را محدود بسازند نتوانستند که از مرکز دایره این حرکت شروع کنند و تمام دایره را در کنترل خود به نام دولت فدرالی بیاورند

آنها مردم با دانش، باسواد و صاحب تکنالوژی عصری و احزاب وطن پرست و با هوش بودند و از طریق احزاب سیاسی هدف خود را در قالب یک نظام فدرالی ساختند چون جامعه پیشرفته در غرب بودند با وجودیکه خاک شان توسط دوا بر قدرت جدا شد، دانش سیاسی احزاب المان تا امروز المان را زنده نگهداشت غیر از المان دیگر هر مملکتی که می بو د با یکجا شدن دوا المان به مشکل اقتصادی و سیاسی گرفتار می شد در ضمن یکجا شدن المان شرق صدها خانواده مهاجر دنیار ا به حیث مهاجر پذیرفتند و در علیه جنگ تروریزم دنباله رو امریکا در افغانستان گردیدند میلیون ها یورو مصرف کردند و هنوز هم در حال همکاری با امریکا هستند، مگر با آنهم بحران اقتصادی ندارند

افغانستان و ملت افغانستان و موقعیت جغرافیائی افغانستان را با المان مقایسه کرده نمی توانیم که ما از فدرالی شدن المان الهام بگیریم زمان میخواد که مات ما باسواد شود و احزاب افغانستان تحمل برداشت حریفان سیاسی خود را داشته باشند ما در خانواده ای که زندگی می کنم برادر برادر خود را پذیرفته نمی تواند. در ممالکی که تفرقه زبانی و قومی وجود داشته باشد چندین ملیتی باشد و ملیت های آن به یک ملت واحد تبدیل نشده باشد امکان فدرالیزم در آن دیده نمی شود.

هنوز ما آن قدر عقب مانده هستیم که پارلمان افغانستان قوانین از دواج را پاس می کند در حالی که آن قوانین فاقد حقوق انسانی می باشد و پدر می تواند دختر سیزده ساله را به ازدواج به یک مرد هشتاد ساله بدهند با پاس کردن این قوانین این پارلمان ننگ تاریخ نیست؟ و اگر اختیارات ولایات به نام فدرالیزم به دست این اشخاص قرار بگیرند به اساس حدیث بخاری طفل دوماه را هم به ازدواج پدر کلانش خواهند داد.

حکومت فدرالیزم انسان و انسانیت، وطن پرستی و احترام به حقوق انسان و انسانیت می خواهد نمی توان حکومت فدرالیزم را سر اشخاص بیسواد، قاجاقبر مواد مخدر و سنگ ساخت و اداره کرد.

تا حال شورای ولایتی موفق نشده که بادیگر ادارات هم نظر باشد شورای ولسوالی ها نسبت نبودن دانش که به اساس ریسرچی که کردند نتوانستند پرسونل باسواد از خود همان ولسوالی تهیه کنند.

در زمان شاه تنها شاروال های شهر از طرف مردم انتخاب می شد که نتیجه نداد شاروالی ها به وزارت داخله تعلق گرفت تمام شاروالهای ولایات از طرف وزارت داخله مقرر می شد مثال های فوق را به خاطر آن دادم که این سروصدا کشیدن فدرالیزم حرف خود جنگ سالاران نیست حرفهای بادران خارجی شان است که در عقب خود تجزیه را دارد

تقسیم افغانستان به شمال و جنوب و هزارستان به اساس بوده و باش قومی و زبانی افغانستان مانع این تجزیه است و یک نظریه ای غیر افغانی توسط امریکا و انگلیس و روس زمان تزار بوده که این نظریه نه تنها در قسمت افغانستان بوده که تجزیه افغانستان سبب تجزیه منطقه شده می تواند امروز بر روی آئینه غبار آلود جنگ های آیدلوژک و مذهبی قرار گرفته که این غبار را به خاطر نفع خود ابر قدرت ها به یک روشنی خواست خود در حال تبدیل کردن هستند

دو ستم در سه دهه رویکش جنگ و تجزیه و آلت دست ابر قدرت ها و همسایه های افغانستان بوده از زمان حکومت کارمل تا امروز در تمام قضایای خوب و بد افغانستان اگر نقش کلیدی نداشته از نقش فرعی آن هیچ کس انکار کرده نمی تواند در سقوط حکومت داکتر نجیب نقش کلیدی داشته در جنگهای کابل با این جناح و با آن جناح پیوسته، آتش جنگ های کابل را شعله و رساخته از روز آمدن امریکائی ها تا امروز مستقیم و غیر مستقیم در قضایای مغلق و پیچیده افغانستان به نفع استعمارگران نقش خود را بازی کرده و خوب هم به نفع دشمنان افغانستان بازی کرده و می کند و در حال بازی کردن است در مجلس بن نقش خود را دوباره تثبیت و تجدید کرد.

در زمان حکومت داکتر نجیب که نقشه سقوط حکومت داکتر نجیب بعد از شکست های پیهم آن رژیم در برابر اراده ملت در خارج از افغانستان و به وسیله دشمنان افغانستان مهندسی شده بود مثل امروز که در نقشه تجزیه افغانستان احدی، جلالی، غنی احمدزی، خلیل زاد، دو ستم محقق و برادران احمد شاه مسعود نقش کلیدی تجزیه را بازی می کنند. نقشه ای که بخاطر سقوط دولت کابل توسط اجنبی و تحت نظر ملل متحد طرح ریزی شده بود دو ستم، محقق، مزاری، مسعود حاجی قدیر و غیره در نقش هیزم سوخت آن نقشه شوم، نقش مزدوری به نفع پاکستان و روس بازی کردند و خود را بعد از جنگ های کابل مانند لکه های خون دامن قاتل ثبت تاریخ ساختند

عین نقش را امروز دو ستم، محقق، برادران مسعود و عبدالله عبدالله، احدی، جلالی، غنی احمدزی، خلیل زاد در لباس فدرالیزم خواهان و افغانستان بزرگ خواهان و خراسان خواهان بازی می کنند و هیزم سوخت نقشه طرح شده بیرون هستند و در تاریخ مانند لکه خون دامن قصاب به نام قاتل ملت و وطن فروش ثبت می شوند و ثبت شده اند

اگر شرایطی را که در بالا هم ذکر کردیم مساعد نباشد باز هم اگر در شرایط خوب دولت افغانستان قرا داشته باشد و دولت کابل یک دولت ملی باشد که ما طرح فدرالیزم بکنم یک راه باریک و تاریک داریم در حالی که حکومت کابل نه تنها حکومت ملی و نسبی نیست، بلکه یک حکومت مزدور، یک حکومت دزد، استعماری بوده و قاجقیران و تفنگسالاران در آن نقش کلیدی دارند، حرف اول را در آنجا استعمار می زند، کرزی بیش از یک شاه شجاع امریکائی نیست و شورای نظار، افراد گلب الدین و طالب و بیروکرات های از خارج آمده نقش دلقکان را در دولت کابل بازی کردند و بازی می کنند چنانچه دور ماندن حکومت کابل در مجلس قطر بین طالب و امریکا این ادعا را ثابت می سازد که دولت کابل بیش از یک دلقک نیست. تغییر سیستم سیاسی افغانستان به دست خود ملت افغانستان نیست و کسانی که طرح فدرالیزم و افغانستان بزرگ را در لباس شونیزم پیش کرده اند دلقکانی بیش نیستند این طرح، طرح دشمنان خارجی افغانستان است

در حقیقت طرح فدرالیزم در این شرایط و این زمان ملت افغانستان را دست و پا بسته در آتش نمرود انداختن است

ادامه دارد

نوت: بی آب مقصد از بی آبرو و تفنگ سالاران و قاچاقبران در درون دولت کرزی است